

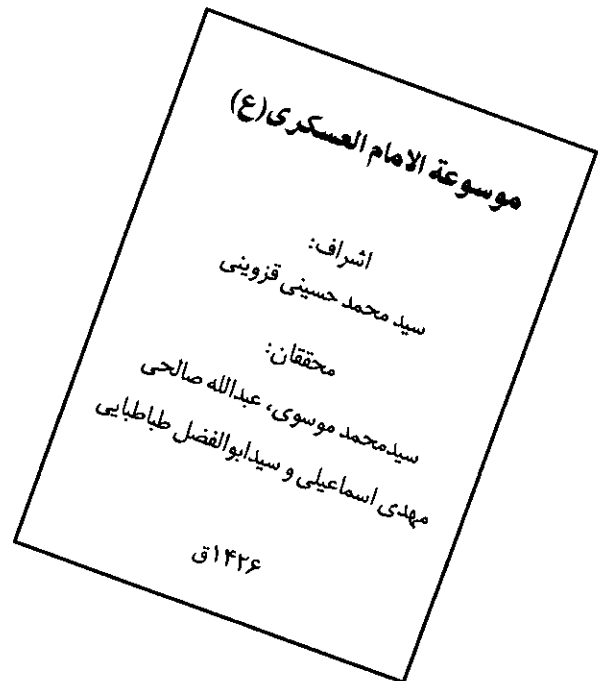
نقد

موسوعة الامام العسكري (ع)

سید حسن فاطمی

از جمله اقدامات فرهنگی که پس از انقلاب اسلامی رونق گرفت، مرجع نگاری است. مرجع نگاری زمینه ساز استحکام سخنرانی‌ها و آثار علمی است. موسوعة الامام العسكري (ع) در زمره آثار مرجع است که به خامة محققان مؤسسه ولی عصر (ع) به انجام رسیده است. اینجانب که سابقه مطالعه در مورد حیات امام عسکری (ع) داشتم، این کتاب را گسترده ترین و جامع ترین کتاب موجود در مورد حیات امام یازدهم یافتم. هر چه آن را بیشتر کاویدم، به ارزش ودقت های به کار رفته در آن، بیشتر پی بردم. ممکن است بعضی بپندارند، صرفاً با جستجوی نام یک امام در رایانه، بتوان روایات مربوط را استخراج و با دسته بندی آنها موسوعة آن امام را تدوین کرد. این اشتباه ویژه کسانی است که کارهایی از این دست انجام نداده اند. کارهای روایی دقیق و جامع، مشکلات خاص خود را دارند و گاه از تدوین کتاب به قلم نویسنده، دشوار تر است. از جمله علل دشواری، مجاز نبودن گردآورنده در تصرف در عبارات است و دیگر آنکه متون روایی، آمیخته با تصحیف ها و اختلافات عبارات است که گاه گردآورنده را سردرگم می کند.

اینجانب با هیچ کدام از محققان این موسوعه و مراحل تدوین، آشنایی ندارم؛ اما کتاب نشان می دهد آنها سابقه کار حدیثی داشته اند و با تلاش فراوان و برگزاری جلسات مشورتی زیاد، این اثر را به سامان رسانده اند و هر چه وقت و بودجه صرف این کار شده باشد، ارزش آن را داشته است. باره یافتن این کتاب به عرصه پژوهش، شاهد اتقان کارهای بعدی در زندگانی امام عسکری (ع) خواهیم بود.



موسوعة الامام العسكري (ع)، اشراف: سید محمد حسینی قزوینی، محققان: سید محمد موسوی، عبدالله صالحی، مهدی اسماعیلی و سید ابوالفضل طباطبایی، قم، مؤسسه ولی عصر (ع)، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، ج ۱، ۴۴۰ + ۴۵۶ + ۴۸۰ + ۴۶۴ + ۴۱۶ + ۳۷۲ ص، عربی، وزیري.

مروری بر عنوان‌ها

کتاب در نه باب سامان یافته است :

الباب الاول: فی نسبة و احواله

این باب در شش فصل به این موضوعات پرداخته است: ولادت، نام‌ها، شمایل، نزدیکان، عمر و مدت امامت، وصیت و شهادت حضرت.

الباب الثاني: فضائله

این باب نیز در ضمن شش فصل به این امور پرداخته است: نص بر امامت، مناقب، معجزات، زیارت و توسل، سخنان علما و دیگران در عظمت آن حضرت.

الباب الثالث: فی سیره و سننه

دو فصل با عنوان‌های «سیره‌ی اجتماعی» و «احواله مع خلفاء زمانه»، این باب را تشکیل می‌دهد.

الباب الرابع: فی العقائد

سخنان امام عسکری (ع) در امور اعتقادی گرد آمده است: توحید، نبوت، امامت، معاد و امور مربوط به آنها.

الباب الخامس: فی الاحکام

سخنان فراوانی از حضرت در مورد احکام فقهی رسیده است. این سخنان در ۲۴ فصل با عنوان‌های فقهی و به ترتیب ابواب فقه، گرد آمده‌اند.

الباب السادس: فی القرآن و الادعية

عنوان باب نشان می‌دهد که آنچه از امام (ع) در مورد قرآن و دعا رسیده، در این باب تنظیم شده است.

الباب السابع: فی المواظف و فضائل الشيعة و غيرهما

چهار فصل است که هر کدام به یکی از موضوعات می‌پردازد: حکمت‌ها و موعظه‌ها، اشعار حضرت، فضایل شیعه، طب و درمان بیماری‌ها.

الباب الثامن: فی الاحتجاجات و المکاتيب

مناظرات علمی و نامه‌های امام عسکری (ع) در این باب آمده است.

الباب التاسع: فیما رواه عن آباءه (ع) او غيرهم

پنج فصل این باب عهده‌دار روایاتی است که آن حضرت از زبان اینان نقل می‌کند: خداوند متعال، ملائکه، انبیاء، امامان (ع)، غیر آنها.

خاتمه: فی الاحاديث المشتهبه و الممدوحين و المذمومين و اصحابه و غيرهم

خاتمه در چهار فصل سامان یافته است: احادیث مشبهه، ممدوحان و مذمومان از زبان حضرت، افراد مورد وثوق حضرت و غیر آنها، اصحاب و راویان حضرت.

الفهارس الفنية

جهت سهولت دستیابی به مطالب، سی فهرست تهیه شده است: آیات، ادعیه و زیارات، احادیث، آثار، معصومان، انبیاء و اوصیاء، ملائکه و اجنه، مردان، زنان، مکان‌ها و شهرها، حرفه‌ها و صنایع، فرقه‌ها و مذاهب، قبایل و طوایف، امرا و خلفاء، عنوان‌های فقهی، طول‌ها و وزن‌ها و نقدها، اشعار، اوایل، امثال، امراض و آفات، زبان‌ها، مناصب الهی، حیوانات، اطعمه و اشربه، البسه و زینت و رنگ‌ها، کتاب‌های آسمانی، وقایع و ایام، ستاره‌ها و کواکب، مصادر، موضوعات. هر مجلد، این ابواب را به خود اختصاص داده است: جلد اول: باب‌های اول و دوم، جلد دوم: باب‌های سوم تا پنجم، جلد سوم: باب‌های ششم تا هشتم، جلد چهارم: باب نهم، جلد پنجم، ادامه باب نهم و خاتمه، جلد ششم: فهرست‌ها.

ویژگی‌های کتاب

ویژگی‌ها و شیوه نگارش کتاب، بدین قرار است:

۱. روایاتی که با بخش‌های مختلف کتاب تناسب دارند، متن کامل آنها با سند در یک جا و در جاهای دیگر به صورت تقطیع شده آمده است. در پاورقی متن کامل، منابعی که آن را نقل کرده‌اند، ذکر و در پایان پاورقی یادآوری شده است که قطعاتی از این روایت ذیل چه عنوان‌هایی آمده است. از جمله فواید این شیوه آن است که خواننده متوجه می‌شود این روایت در چه موضوعاتی قابل استفاده است و چه زوایایی از زندگانی امام (ع) را نشان می‌دهد.
۲. شماره روایات ذیل هر عنوان، از یک شروع می‌شود. اما روایات کامل، شماره مسلسل جداگانه دارند که در سراسر کتاب، به دنبال هم هستند. متن ۱۱۷۶ خبر گرد آمده است.
۳. تقطیع‌ها خوب و منطقی صورت گرفته است.
۴. کتاب تاریخ نقلی است و بنا بر آن بوده که تحلیلی ارائه نشود.
۵. کتاب از جامعیت برخوردار است و بنای گردآورندگان بر آن بوده که هیچ روایتی از قلم نیفتند. بعضی تصور می‌کنند همین که کتابی چاق شد یا به چند مجلد رسید، می‌توان عنوان «موسوعه» را بر آن نهاد؛ اما به راستی این مجموعه شایسته این عنوان است.
۶. در پژوهش‌های گروهی، معمولاً هر کس عهده‌دار تحقیق یک بخش از کتاب می‌شود و هماهنگ کردن بخش‌های مختلف دشوار است. هماهنگی در قسمت‌های مختلف این موسوعه و یکدستی آن، به گونه‌ای است که گویا یک نفر سراسر کتاب را نوشته است.

۷. عنوان دهی و تبویب و هندسه مطلوب و سهل الوصول بودن، سبب خوش خوانی کتاب شده است.

۸. بخش عمده ای از موسوعه به سخنان امام عسکری (ع) از پدران گرامی اختصاص یافته است. در نگاه ابتدایی ممکن است تصور شود این قسم از سخنان ربطی به آن حضرت ندارند و امام در حکم راوی است. اما باید توجه داشت که در بسیاری موارد، این سخنان نشان می دهند که آن حضرت در چه موقعیتی بوده است که به چنین سخنانی تمسک جسته است.

تذکرات

در عین حال که کتاب از استحکام بالا برخوردار است، لازمه گستردگی پژوهش، راه یافتن لغزش هایی در آن است. امید است در چاپ های بعد، اصلاحات لازم صورت گیرد:

۱. در جلد ۲، صفحه ۱۱۸، سطر ۹، میان «لابی محمد (ع)» و «فلما آغاز» به نشانه افتادگی، سه نقطه گذارده شده؛ حال آنکه عبارتی نیفتاده است.

۲. در جلد ۲، ص ۱۲۵، سطر ۴، از میان «بابن العم» و «وقد کان» دو پاراگراف افتاده، اما بدون نقطه چین است.

۳. در جلد ۱، صفحه ۲۲ روایتی از قاضی نورالله شوشتری آمده که او از کتاب الاتحاف بحب الاشراف نقل کرده است. نویسنده الاتحاف در سال ۱۱۷۲ در گذشته است.^۱

در جلد ۱، صفحه ۲۶ روایتی از قاضی نورالله آمده که او از کتاب جنی الجنین نوشته محمد امین حموی (م ۱۱۱۱) نقل کرده است.

این در حالی است که قاضی نورالله شوشتری در سال ۱۰۱۹ به شهادت رسید. منشأ اشتباه آن است که قاضی نورالله کتاب احقاق الحق را نوشت و آیت الله مرعشی نجفی روایات فراوان در چندین مجلد به آن افزود. در واقع می بایست نام آیت الله مرعشی تیترا می شد.

۴. چنان که در فهرست مصادر (ج ۶، ص ۳۰۱) آمده، نویسنده دلائل الامامه، ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری (قرن ۵) دانسته شده است و هر جا از این کتاب روایتی آمده، «ابوجعفر الطبری» تیترا شده است. اگر نویسنده این کتاب در قرن پنجم می زیسته است، چگونه بی واسطه از امام عسکری (ع) نقل می کند و امام او را مخاطب قرار می دهد؟!^۲ و حتی در دلائل الامامه، با واسطه از محمد بن جریر طبری نقل شده است؟!^۳ این امور نظریات متفاوت صاحب نظران در مورد نویسنده دلائل الامامه را به دنبال داشته است. این دیدگاه ها را محقق کتاب المسترشد در مقدمه گردآورده است.^۵

به نظر می رسد بهترین دیدگاه برای مرحوم شیخ محمد تقی شوشتری در کتاب الاخبار الدخلیه است. از نظر او نویسنده دلائل الامامه، معاصر شیخ طوسی و نجاشی است و نام او معلوم نیست. محمد بن جریر طبری در اینجا غیر از صاحب مسترشد و از اصحاب امام عسکری (ع) است که کتابی در معجزات داشته و صاحب دلائل الامامه از آن نقل می کند. چه بسا نویسنده در اوایل کتاب - که از نسخه موجود افتاده - تذکر داده که محمد بن جریر طبری در فلان کتابش چنین نوشته و در ادامه، به ذکر «قال محمد بن جریر الطبری» بسنده کرده است و بسیاری تصور کرده اند که او نویسنده دلائل الامامه است.^۶

۵. در جلد ۱، صفحه ۲۳۷، حدیثی از الخرائج و الجرائح این گونه تقطیع شده است: «... عن جعفر بن الشریف الجرجانی ...، دخلت علی ابی محمد (ع) بسر من رأی ... فأول من انتدب لمسائله النضر بن جابر، قال: یابن رسول الله ...».

خواننده می پندارد، گفتگوی نضر بن جابر با امام (ع) در سامرا بوده است؛ در حالی که متن کامل روایت نشان می دهد که آن حضرت با طی الارض به گرگان رفت و نضر در آنجا با امام (ع) سخن گفت.

۶. در جلد ۳، صفحه ۴۰۴ توقیع امام عسکری (ع) آمده است: «اما علم علی ان لكل اجل کتاب، فمات الابن».

در پاورقی آمده است که این خبر در بحار از خرائج و جرائح نقل شده، اما در آن نیافتیم. این حدیث در خرائج و جرائح، جلد ۱، صفحه ۴۳۸، حدیث ۱۷ آمده است.

۷. در فصل مربوط به رابطه امام عسکری (ع) با خلفا، ذیل عنوان «احواله (ع) مع المعتضد» روایتی آمده، مبنی بر اینکه هنگام وفات امام (ع) معتضد عده ای را به خانه آن حضرت فرستاد و دستور داد: هر کس را آنجا دیدید، سرش را بیاورید (ج ۲، ص ۱۴۳).

با مراجعه به غیبت شیخ طوسی و خرائج و جرائح و کشف الغممه که آدرس آنها در پاورقی آمده، معلوم شد که در آن منابع هم، نام معتضد آمده، اما باید توجه داشت که او از سال ۲۷۹ تا

۱. ر. ک: ملحقات احقاق الحق، ج ۴، ص ۴۳۲ و ج ۵، ص ۳۳۵.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۴۴۴.

۳. ر. ک: موسوعه الامام العسکری (ع)، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۲۹۱.

۴. ر. ک: دلائل الامامه، ص ۴۷۸، ح ۴۷۰.

۵. ر. ک: المسترشد فی امامة امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع)، محمد بن جریر طبری، تحقیق احمد محمودی، قم، مؤسسة الثقافة الاسلامیة، چاپ اول، ص ۱۲-۵۸.

۶. ر. ک: مقدمه المسترشد، ص ۲۷-۳۴.

و جواریه (ع) «از طب الائمه چنین نقل شده است: «المسیب بن واضح، و کان یخدم العسکری (ع)».

به امام هادی (ع) هم «عسکری» اطلاق می شده است. بنابراین معلوم نیست مراد امام حسن عسکری (ع) باشد. دیگر اینکه در منابع شیعی هر چه جستجو کردیم، به شرح حال مسیب بن واضح دست نیافتیم. در تاریخ صغیر (ج ۲، ص ۳۵۴) و میزان الاعتدال (ج ۴، ص ۱۱۷) از شخصی به این نام یاد شده، اما تاریخ درگذشت او ۲۴۶ است؛ یعنی در دوران امامت امام هادی (ع). جا داشت دست کم در پاورقی احتمال داده می شد که مراد امام هادی (ع) است.

۱۲. در جلد ۱، صفحه ۳۰۷، در قسمت مربوط به معجزات آن حضرت، ذیل عنوان «إخباره بما فی النفس» حدیثی تقطیع شده با این مضمون به عنوان چهل و یکمین حدیث، آمده است: علی بن زید نزد امام عسکری (ع) نشسته بود که به یاد دستمالش افتاد. امام (ع) به او فرمود: آن نزد برادرت است. الف) دستمال ارزشی ندارد که امام (ع) بخواد آن را به یاد او بیندازد.

متن کامل حدیث نشان می دهد که در دستمال پنجاه دینار بوده است. اگر در تقطیع، سه کلمه انداخته نمی شد، ارزش روایت بیشتر می شد.

ب) متن کامل این روایت، در دو صفحه قبل، ذیل همین عنوان، به عنوان سی و پنجمین روایت، آمده و تکرار آن بیجا بود. ۱۳. در جلد ۱، صفحه ۳۳۹، حدیث ۲۶ روایتی تقطیع شده آمده و خواننده جهت دیدن متن کامل آن، به جلد سوم ارجاع شده است. پس از مراجعه به متن کامل معلوم شد تنها عبارت «فزعت منها» را از میان آن انداخته اند و به جای آن نقطه چین گذاشته اند. و نیز در همین جلد، صفحه ۲۳۴ روایتی از کشف الغمّه تقطیع گردیده و به جای نقطه چین تنها عبارت «من ابنة عمی» حذف شده است.

این گونه تقطیع سبب می شود خواننده پندارد عبارت بیشتر و مهمی افتاده است. جا داشت در موازید از این دست، متن کامل می آمد و خواننده به زحمت نمی افتاد.

۱۴. گاهی روایت در منابع کهن تر آمده؛ در عین حال از کتاب های متأخر نقل شده و از منابع پیشتر نیز یاد شده است؛ مانند حدیث ۳۵۳ در جلد ۱، صفحه ۳۴۰ که عبارت از کتاب مهج الدعوات سید بن طاووس است و در پاورقی آمده که همین روایت در کتاب های غیبت شیخ طوسی، اثبات الوصیه و

۷. مرابط: ملازم.

۲۸۹ حکومت کرد و رحلت امام عسکری (ع) در سال ۲۶۰ اتفاق افتاد و در این زمان، معتمد خلیفه بود. ظاهر معتضد در این خبر تصحیف معتمد است و جا داشت این تذکر داده می شد یا خبر همراه تذکر، ذیل «احواله (ع) مع المعتمد» می آمد.

۸. در جلد ۲، صفحه ۱۸۸ در حدیثی ۴۷۳ می خوانیم: «عن احمد بن الخصیب، قال: کنا بالعسکر ونحن مرابطون لمولانا ابی الحسن، و سیدنا ابی محمد (ع) قال: لما اظهر الله دینه، و دعا رسول الله (ص) إلى الله ...».

تصور شده که او در «و سیدنا» عاطفه است و «سیدنا» عطف به «مولانا» شده و شاهدش آن است که «ابی محمد» مجرور ضبط شده است. شاهد دیگر آن است که در همین جلد، صفحه ۸۱ این روایت برای نشان دادن آنکه امام عسکری (ع) مرابط هایی^۷ داشته، آمده است؛ در حالی که او استینافیه است و «سیدنا» مبتدا و مرفوع است و «ابو محمد» به عنوان بدل یا عطف بیان باید مرفوع باشد و «قال» خبر است. با این توضیح، روشن است که نگهبان ها برای امام هادی (ع) بوده اند و گوینده «لما اظهر ...»، امام عسکری (ع) است.

۹. در جلد ۲، صفحه ۲۷ ذیل «سننه فی العبادات»، دو روایت از کتاب های دعوات و جمال الاسبوع به عنوان نماز امام عسکری (ع) آمده است. این دو خبر در جلد ۳، صفحه ۲۱۸ ذیل «الآیات و السور التي فرأها (ع) فی صلاته» نیز نقل شده اند. عبارت دعوات چنین است: «صلاة الزکی (ع) رکعتان، فی کل رکعة الحمد مرّة و قل هو الله أحد مائة مرّة، و یصلی علی النبی (ص) مائة مرّة».

مراجعه به آن منابع نشان می دهد که این دو نقل، در مقام بیان آن نیستند که امام عسکری (ع) این گونه نماز می خواند، بلکه به این معناست که اگر کسی بخواد به آن حضرت متوسل شود یا نمازی را به او هدیه کند، این گونه نماز بخواند. ذکر این دو خبر در جلد ۱، صفحه ۳۹۶ ذیل «التوسل به (ع)» مناسب تر بود.

۱۰. هر جا متن کامل روایت ذکر شده، در پاورقی گفته اند که قسمت های تقطیع شده آن ذیل چه عنوان هایی آمده، اما شماره جلد و صفحه ذکر نشده است. این امر موجب می شود تا در اخبار طولانی که ممکن است خواننده خواهان مراجعه به قسمت تقطیع شده باشد، با دشواری مواجه شود.

همچنین هر جا قسمتی از روایت آمده، خواننده به متن کامل در جای دیگر کتاب، ارجاع شده، اما به شماره جلد موسوعه و شماره حدیث بسنده شده و پیدا کردن روایت طبق شماره حدیث، دشوار است. بهتر بود شماره صفحه نیز ذکر می شد.

۱۱. در جلد ۲، صفحه ۵۹، حدیث ۸ تحت عنوان «غلمانه

روشن است که شهید ثانی در مقام بیان اوصاف امام (ع) است، نه القاب.

۱۹. در جلد ۳، صفحه ۴۳۷ در شصت و هفتمین نامه امام عسکری (ع) آمده که آن حضرت هنگام رحلت امام هادی (ع) نامه ای برای معتمد فرستاده است. این در حالی است که هنگام رحلت امام هادی (ع) معزز خلیفه بود، نه معتمد. دیگر اینکه طبق روش کتاب، جسا داشت این روایت ذیل «احواله مع المعتمد» در جلد ۲، ص ۱۳۲ نیز می آمد.

۲۰. در فصل مربوط به رابطه امام عسکری (ع) با خلفا، عنوان «احواله (ع) مع الزبیری» به چشم می خورد. در میان خلفای عباسی شخصی به نام زبیری نمی شناسیم. ظاهراً مراد از زبیری در روایتی که در موسوعه آمده، معزز است و جسا داشت ذیل «احواله (ع) مع المعزز» می آمد.^۹

۲۱. در بخش مربوط به معجزات امام عسکری (ع) می خوانیم: «انه خرج من ابی محمد (ع) تویع: زعموا انهم یریدون قتلی لیقطعوا هذا النسل، و قد کذب الله عز و جل قولهم ...».

اگر محرز شود که این تویع پیش از ولادت امام مهدی (ع) صادر شده، حکایت از معجزه دارد؛ در حالی که آن محرز نیست، بلکه به عکس، همین مضمون در خبری دیگر آمده و در آن تصریح شده که حضرت این سخن را بعد از ولادت امام مهدی (ع) بیان فرمود:

«قال ابو محمد (ع) حین ولد الحجة (ع): زعمت الظلمة انهم یقتلون لیقطعوا هذا النسل فکیف رأوا قدرة الله». ^{۱۰}
 فعل ماضی «کذب» مؤید آن است که تویع مربوط به پس از ولادت امام مهدی (ع) است.

۲۲. در جلد ۵، صفحه ۲۵۴ آمده است: «أبو الطیب الحسن بن أحمد بن محمد بن عمر بن الصباح القزوينی ... [قال]: جلس الشیخ أبو القاسم الحسین بن روح ...».

۸. وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۹۴.

۹. توجه به عبارات برخی منابع مناسب است: المعزز هو الزبیر (الهدایة الکبری، ص ۲۴۹)، المعزز هو الزبیر بن جعفر المتوکل (الهدایة الکبری، ص ۴۲۷)، بویع المعزز ابن المتوکل و روی ان اسمه الزبیر (عیون المعجزات، ص ۱۲۲)، بایع الناس بعد خلع المستعین نفسه الزبیر بن جعفر بن محمد بن محمد بن هارون و هو المعزز بن المتوکل (التقاة، ابن حبان، ج ۲، ص ۳۳۱)، المعزز بالله ابو عبد الله بن المتوکل علی الله قبل اسمه الزبیر و قبل اسمه محمد (اکمال الکمال، ج ۷، ص ۲۶۹)، المعزز الزبیر بن جعفر المتوکل (التنبیه و الاشراف، ص ۳۱۶).

۱۰. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۲۳، ح ۱۹۷.

مناقب این شهر آشوب آمده است. گویا علت نقل از منابع متأخرتر آن است که عبارت کامل تر بوده است. بهتر آن بود که از منابع کهن تر نقل می شد و عبارات اضافی در کتاب های بعدی در گروه ذکر می شد و در پاورقی توضیح داده می شد که اضافات از چه کتابی است یا اینکه نکات مهم آنها در پاورقی می آمد.

۱۵. روش کتاب به این صورت است که هر جا متن کامل روایت با شماره مسلسل ویژه آمده، اگر آن، در منابع مهم دیگر هم آمده، آدرس آنها نیز ذکر شده و اگر تفاوتی میان آنها بوده، پس از ذکر منبع دیگر نوشته شده: «بتفاوت» یا «بتفاوت یسیر». گاهی این تفاوت ها با توجه به موضوعی که ذیل آن آمده، از اهمیت زیادی برخوردارند، اما تذکر داده نشده که تفاوت در چیست. مناسب بود در این موارد، مورد تفاوت بیان می شد.

۱۶. در قسمت مربوط به نص به امامت امام عسکری (ع) از سوی امام هادی (ع) این روایت آمده است: «لما مات ابو جعفر الثانی (ع) کتبت الشیعة إلى ابی الحسن صاحب العسکری (ع) یسألونه عن الامر. فکتب (ع): الامر لی مادمت حیا، فاذا نزلت بی مقادیر الله عز و جل آتاکم الله الخلف منی، و انی لکم بالخلف بعد الخلف». (ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۲۲۲).

این روایت دلالت بر امامت امام عسکری (ع) ندارد.
 ۱۷. در جلد ۱، صفحه ۲۲، سخنی از ذرّه الجلیس تألیف سید عباس مکی موسوی در مورد تاریخ ولادت امام عسکری (ع) نقل شده است. تألیف کتاب مذکور سال ۱۱۴۸ به پایان رسید. همین مطلب را ابن خلکان (م ۶۸۱) گفته است^۸ و بعید نیست سید عباس مکی از آن نقل کرده باشد. جسا داشت از وفيات نقل می شد.

۱۸. در جلد ۱، از صفحه ۳۱ تا ۳۸ اخباری در مورد کنیه و القاب امام عسکری (ع) آمده؛ در حالی که برخی از آنها کنیه و لقب نیستند؛ مانند «أبو القاسم بأمر الله»، «أبو حجة الله»، «أبو القاسم»، «سلطان»، «الماضی»، «الثانی»، «بدر الظلام»، «ولی المؤمنین» و ...

یک شرط کنیه و لقب آن است که برای شخص، عکلم شده باشد. معنای لغوی موارد فوق مد نظر است و هر واژه ای که به عنوان مدح در مورد کسی به کار می رود، نباید آن را لقب خواند. البته اگر مورخان تصریح کنند که برخی واژه ها القاب آن حضرت هستند، با تسامح قابل قبول اند؛ هر چند ممکن است برخی مورخان به اشتباه افتاده باشند.

در جلد ۱، صفحه ۳۶ از قول شهید ثانی آمده است: «الحادی عشر الامام التقی، الهادی، ولی المؤمنین، الحسن بن علی العسکری (ع)».

- ج-۱، ص ۶۷، س ۱۱، أن يدعو: أن يدعو.
 ج-۱، ص ۱۹۹، س ۳، رسول الله (ص). همزه بعد از «اللّه» زاید است.
 ج-۱، ص ۲۲۰، س ۵ «عثمان بن سعید العمری رضی اللّه عنه عنه و أرضاه»، یک «عنه» زاید است.
 ج-۱، ص ۲۲۰، س ۵ «وجود نوره علیه السلام فی العرش» یک «علیه» زاید است.
 ج-۱، ص ۳۳۰، ح ۱۸، رأیته: رأیته.
 ج-۱، ص ۳۵۰، پاورقی ۱: خواننده به جلد ۲، حدیث ۴۵ ارجاع شده؛ حال آنکه روایات جلد دوم از شماره ۴۲۵ شروع می شود.
 ج-۱، ص ۴۲۸، س ۷ یقال: یقال.
 ج-۲، ص ۵، س ۳ سیرته الاجتماعية (ع): سیرته (ع) الاجتماعية.
 ج-۲، ص ۱۲۵، س ۴ خمین: خمین.
 ج-۳، ص ۳۹۲، س ۱ السابع: السابع.
 ج-۵، ص ۲۵۵، س ۵ باباً: باباً.

نکات پایانی

۱. بسیاری از نویسندگان، پس از چاپ کتابشان، از ادامه تحقیق در آن عرصه و جمع آوری اطلاعات جدید و رفع نقایص دست برمی دارند؛ در حالی که محقق با تدوین کتاب خود، از تخصص بالاتر برخوردار می شود و نسبت به مطالب مشابه، حساسیت بیشتری پیدا می کند. بنابراین باید پس از نشر کتاب نیز در پی تکمیل اثر بود. لازم است محققان این کتاب نیز در فکر تکامل این اثر باشند، به ویژه با آمدن برنامه های رایانه ای جدید ممکن است بتوان به اخبار جدیدی دست یافت و به این مجموعه اضافه کرد.
۲. مناسب است پدیدآورندگان این اثر، موسوعه پیامبران - اعم از نبوت خاصه و عامه - را که جای آن خالی است، با همین سبک به نگارش درآورند.
۳. ترجمه دقیق کتاب، سبب می شود ناآشنایان با عربی نیز بتوانند از کتاب استفاده کنند، بلکه گاه آشنایان با عربی نیز به عباراتی برمی خورند که درک معنای آنها برایشان دشوار است و ترجمه برای آنها نیز می تواند سودمند باشد.



تصور شده که گوینده سخن، ابوالطیب است، اما در جلد ۲، صفحه ۱۲ عبارت درست تقطیع شده و گوینده آن «شیخنا» است: «ابوالطیب الحسن بن أحمد بن محمد بن عمر بن الصباح القزوینی، و ابوالصباح محمد بن أحمد بن محمد بن عبدالرحمن البغدادی الکاتبان، قالوا: جرى بحضرة شيخنا فقيه العصابة ذكر مولانا أبي محمد الحسن بن أمير المؤمنين (ع)، فقال: ... جلس الشيخ أبو القاسم الحسين بن روح...».

۲۳. رعایت یکدستی از امور لازم در تدوین است. معمولاً سند احادیث به صورت کامل آمده؛ هر چند طولانی باشد. اما در جلد ۱، صفحه ۱۷۸، حدیث ۲۲۱ قسمتی از سند افتاده است.

در ابتدای روایات نام نویسنده کتاب منقول عنه با حروف سیاه ذکر شده. گاهی نام یک نفر به صورت های مختلف است. در جلد ۱، صفحه ۱۲۴ «السید محسن الامین» است، اما در صفحه بعد «السید الامین» آمده است.

۲۴. در ذکر نام نویسندگان که در ابتدای روایات با حروف سیاه درج شده اند، رعایت اختصار مناسب تر بود؛ مثلاً بهتر بود به جای «محمد بن یعقوب الکلینی»، به «الکلینی» اکتفا می شد. همچنین حذف الفاظی چون: «شیخ»، «علامه» و «رحمه الله» مناسب بود.

۲۵. در جلد ۱، صفحه ۴۹، حدیث ۶۹ به واسطه شیخ حر عاملی از ابن خلکان نقل شده؛ در حالی که ابن خلکان این مطلب را در وفيات الاعیان، جلد ۴، صفحه ۱۷۶ آورده است و نقل مستقیم اولی بود.

۲۶. در ترتیب الفبای فارسی حروف «واو» پیش از «ها» است، اما در عربی به عکس است. در فهرست های کتاب ترتیب فارسی لحاظ شده؛ حال آنکه کتاب عربی است.

۲۷. جای فهرست اجمالی مطالب در جلد مربوط به فهرست ها (جلد ششم) خالی است.

۲۸. جا داشت رسم الخط عربی در همه کتاب به کار می رفت. متن روایات با رسم الخط عربی است، اما آیات، دعاها و عنوان ها با رسم الخط فارسی چاپ شده است.

۲۹. ابتدای هر باب آمده است که شامل چند فصل با چه عناوینی است و نیز در ابتدای هر فصل آمده که مطالب آن در چه موضوع تنظیم شده است. در گذشته به دلیل مرسوم نبودن فهرست مطالب، چنین شیوه ای را اتخاذ می کردند، اما امروزه با درج فهرست در کتاب، نیازی به این شیوه نیست.

۳۰. دقت فراوانی صورت گرفته که اشتباه تاپی در کتاب راه نیابد؛ در عین حال موارد اندکی دیده می شود:

